

گزارش از یک روز همراهی با دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان

معلم می‌گفت تاریخ تکرار می‌شود چون از آن عبرت نمی‌گیریم

آزاده سهرابی

صبح یکی از روزهای آبان ماه ۱۳۹۸ است. دانشگاه فرهنگیان شهدای مکه از قضا رشته تاریخ دارد. ۶۰ دانشجو معلم پذیرفته که در دو کلاس تقسیم شده‌اند. با هماهنگی استاد محمدرضا روزبهانی سر کلاسشان می‌روم. جوان‌هایی که هنوز زمان زیادی از وقتی پشت نیمکت‌های دبیرستانشان می‌نشستند و درس تاریخ هم می‌خواندند نگذشته است. تقریباً همان سی نفر هستند. دوست داشتم از نگاه به چشم‌هایشان می‌خواندم که چقدر تاریخ را می‌دانند و چقدر با علاقه به تاریخ اینجا پشت این صندلی‌ها نشسته‌اند.

قرار بوده استاد این هفته یک نمایشنامه مربوط به درسشان بیاورد که نمایشنامه خوانی

کنند اما از شانس بد من استاد فراموش کرده. درسشان درباره حکومت امویان است. رسیده‌اند به مبحث خلافت عبدالملک مروان.

هرچه به ذهنم فشار می‌آورم چیزی از تاریخ دوران دبیرستان به خاطر نمی‌آید. هر چه از تاریخ می‌دانم را بعدها خواندم یا در فیلم‌ها دیدم یا در نمایش‌های روی صحنه یا رمان‌ها. اما علاقه‌ام به شنیدن از تاریخ باعث می‌شود یک ساعتی جذب سخنان استاد شوم. پرشور از تاریخ اسلام می‌گوید. مطمئن هستم اگر معلم تاریخمان این طور درباره تاریخ حرف می‌زد و لا به لایش حوادث تاریخی را از شرق و غرب به هم‌گره می‌زد، حالا حتما یادم بود چه چیز در تاریخ دبیرستان خوانده‌ام.

آخر کلاس حتی مرور می‌کنم. حرف از چگونگی تاسیس خلافت امویان بود. وقتی ابوسفیان خلافت را به آل مروان منتقل کرد و بعد از یک سال خلافت به عبدالملک مروان رسید که ۲۰ سالی خلافتش طول کشید و چند سالی در این دوران را با زبیر جنگید تا او را از سر راه بردارد. حتی به خاطر این جنگ داخلی مجبور شد با امپراطور روم شرقی مصالحه کرده تا جنگ در مرز راکنترل کند. زمان خلافت او با امامت امام سجاد(ع) همزمان بود و تعداد شیعیان اعتقادی شمارشان کم بود و امام سجاد نمی‌توانست این تعداد کم شیعیان حقیقی را در معرض خطر قرار دهد برای همین حتی وقتی قیام مختار می‌شود موضع‌گیری

خاصی نمی‌کند. اما تمام حاکمان آن دوران جانب احترام امام را داشتند. امام سجاد(ع) شیوه فرهنگی را برای مبارزه انتخاب می‌کند و صحیفه سجادیه برآمده از همین شیوه است. فرازهایی که به صورت غیرمستقیم درباره ظلم و ستم و ایده‌های امام صحبت می‌کند.

سرکلاس نه چیزی را نت برداری می‌کنم و نه سعی می‌کنم حفظ کنم اما روند تاریخی این دوره تاریخی در ذهنم برای همیشه حک می‌شود و پیش خودم فکر می‌کنم سر این کلاس که معلم آینده نشسته‌اند چند نفر یاد می‌گیرند تاریخ را با همین شور و هیجان درس بدهند. همین قدر ساده و بی‌آلایش و در عین حال شنیدنی تا دانش‌آموز به جای حفظ شدن، یاد بگیرد؟

علی هورش نیا از دانشجومعلمان همین کلاس است. از او می‌پرسم واقعا تاریخ را دوست داری؟ و چرا؟ می‌گوید: من هم تاریخ را دوست دارم و هم معلمی را و از دوم دبیرستان به آن علاقه‌مند شدم چون معلم تاریخی داشتیم که خیلی خوب درس می‌داد و از کلیشه‌ای درس دادن پرهیز می‌کرد. مثلاً اتفاقات تاریخی را با مسائل امروز تطبیق می‌داد. همیشه می‌گفت تاریخ تکرار می‌شود چون از آن عبرت نمی‌گیریم.

واقعیت هم همین است که همیشه پای یک معلم خوب برای تعیین سرنوشت یک دانش‌آموز در میان بوده است.

می‌پرسم چه نقدی به درس تاریخ در مدرسه دارید؟ می‌گوید: این که معلم‌ها حوادث تاریخی را کلیشه‌ای درس می‌دهند و انگار داریم صفحه حوادث می‌خوانیم. باید معلم‌ها تاریخ را از حالت سختی که دارد در بیاورند تا بچه‌ها به عنوان درس حفظی به آن نگاه نکنند. البته واقعا جای آن دارد که به مدارس امکانات بیشتری بدهند. وی همچنین درباره این که تفاوت خودشان را با دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها در رشته تاریخ چه می‌دانند، بیان می‌کند: وجه اشتراکمان که مشخص است هر دو تخصصی تاریخ را یاد می‌گیریم. اما ما نحوه آموزش تاریخ را هم فراموش می‌گیریم.

اما علی نقدی پور دانشجومعلم دیگر همین کلاس است که ترم سومی محسوب می‌شود. او درباره اهمیت رشته تاریخ می‌گوید: تاریخ درسی است که علم اجتماعی آدم را بالا می‌برد. خود من اینجا را انتخاب کردم چون امکان شغلی مهیا می‌کند و اساتید خوبی دارد. اما رشته‌اش را دوست دارم و در هر حال آن را انتخاب می‌کردم.

وی ادامه می‌دهد: من از دبیرستان تاریخ را دوست داشتم و جذاب‌ترین بخش تاریخ دبیرستان دوره هخامنشیان بود که معلم‌ها خوب آن را درس می‌دادند.

از او می‌پرسم وقتی معلم شدی می‌خواهی چگونه تاریخ را برای دانش آموزانت جذاب کنی؟ می‌گوید: برایشان قصه می‌گویم. من زیاد اهل قصه‌گفتن هستم.

بچه‌ها سر پرشوری دارند. معلمان آینده که این روزها سر کلاس قرار است هم تاریخ بیاموزند و هم یاد بگیرند چگونه تاریخ را یاد بدهند که فردا دانش‌آموزانشان مانند من نباشند که وقتی به دوران مدرسه فکر می‌کنند، چیزی از تاریخ به یادشان نیاید.

